



سه نوع رویکرد به عقل در تاریخ اسلام وجود دارد/ سلفیون و وهابیون گروههای ضد عقل جدید هستند

یک استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اظهار داشت: منابع و راه های شناخت و معرفت بسیارند، اما یک مسلمان عقلانی و حکیم کسی است که از همه این منابع استفاده می کند...

یک استاد دانشگاه در گفتگو با مهر :

سه نوع رویکرد به عقل در تاریخ اسلام وجود دارد/ سلفیون و وهابیون گروههای ضد عقل جدید هستند

یک استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اظهار داشت: منابع و راه های شناخت و معرفت بسیارند، اما یک مسلمان عقلانی و حکیم کسی است که از همه این منابع استفاده می کند، بر یکی از اینها متمرکز نمی شود و از افراط و تفریط دوری می کند. دکتر محمد فنایی اشکوری در مورد اینکه چرا با وجود تأکید قرآن بر تعقل و عقلانیت شاهد گرایشهای ضد عقلی در جهان اسلام هستیم به خبرنگار مهر گفت: یک عامل برای گریز از عقل افراط و تندروی بعضی از جریانهای عقل گرا است. ما در جهان اسلام مانند تاریخ مسیحیت جریانهای داریم که اینها یک مشرب را پسندیده و توجهشان به آن جلب شده و از بقیه مشربهای معرفت غفلت کردند.

وی افزود: برای مثال عقل گراهایی داریم در بین معتزله و یا فلاسفه ای که مشایی گفته می شوند که در کار اینها افراط و تندروی در عقل و عقل گرایی دیده می شود، بطوری که کتاب و سنت و تعالیم شریعت در دیدگاه اینان کمرنگ می شود و چون صرفاً با نگاه عقلی به دنبال حقیقت می روند از آنجا که عقل بشر محدودیت هایی دارد آن محدودیت ها دامنگیر اینها می شود و گاهی کج اندیشی هایی یا اندیشه هایی که سازگار با معرفت دینی و معارف اسلامی نباشد از این افراد سر می زند.

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) تصریح کرد: از سوی دیگر داریم کسانی که متمرکز در متون دینی می شوند و به عقل بی اعتنایی می کنند که کارشان به ظاهر گرایی و قشری اندیشی منتهی می شود. جریانهای نیز داریم که به اهمیت سیر و سلوک و تهذیب نفس و معرفت باطنی پی می برند ولی مجذوب این شیوه و مشرب می شوند و بقیه راه های شناخت و معرفت را از یاد می برند.

دکتر فنایی ادامه داد: بعضی از صوفیه می بینیم که با عقل میانه خوبی ندارند، چنانکه با کتاب و سنت هم چندان سروکاری ندارند و به گمانشان "حدثنی قلبی عن ربی" آنها را از استماع حدیث بی نیاز می کنند. این گونه موضع گیری ها حاصل یک جانبه نگری و یکسو نگری و افراط در یک جهت و نادیده گرفتن جهات دیگر است. برای مثال می بینیم وقتی غزالی آثار فلاسفه اسلامی را می خواند یک ضعف هایی را در آنها می یابد و شروع می کند به نقد و رد اندیشه های فلاسفه؛ حالا البته بعضی از اشکالات او هم ناشی از این است که به مقصود فلاسفه نرسیده است. غزالی با دیدن این ضعف ها اساساً از تفکر فلسفی و عقلی رو بر می گرداند و به سمت تصوف گرایش پیدا می کند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: فخر رازی هم همینطور. از نگاه خودش مشکلات و ضعف هایی را در اندیشه های فلاسفه می بیند و به نقد آن می پردازد (یک نمونه اش نقد اشارات ابن سینا است)، اما او به علم کلام پناه می برد. همینطور اهل حدیث و اخباریون هم با دیدن همین ضعف ها یا با تحلیل های دیگری، متمرکز در کتاب و سنت می شوند و روشهای عقلی و قلبی و شهودی را نادیده می گیرند. این یکسوگیری ها هر کدام منشأ دشواری هایی می شود، ولی آنچه از کتاب و سنت به طور صریح و آشکار بر می آید این است که خداوند همه این راههای معرفت را در اختیار ما قرار داده است.

دکتر اشکوری افزود: عقل یک منبع معرفت، شهود یکی دیگر و وحی الهی که در کتاب و سنت تجسم و تمثیل پیدا کرده منبع مهم دیگر معرفت است. یک مسلمان عقلانی و حکیم کسی است که از همه این منابع استفاده می کند؛ بر یکی از اینها متمرکز نمی شود و از افراط و تفریط دوری می کند. نمونه های این مسئله را بسیار داشتیم. برای مثال سهروردی که در زمانی زندگی می کرد که مبارزه با عقل گرایی و فلسفه خیلی شدت داشت و خود او هم اندیشه فلاسفه مشایی مانند ابن سینا را نقد می کرد ولی این موجب نشد که از تفکر عقلی رو برگرداند، بلکه تفکر عقلی را با دقت و اصرار ادامه می دهد؛ اما در کنار آن به اهمیت شهود و راه اشراق و راه باطن پی می برد و همینطور استفاده از کتاب و سنت.

وی افزود: ملاصدرا هم همینطور. او در اوج این تفکر اعتدالی است که همه طرق اهل معرفت را مورد توجه قرار می دهد. مشرب خواجه نصیرالدین طوسی نیز چنین است. در زمان ما مرحوم امام و علامه طباطبایی و شهید مطهری همین مسیر را طی کردند و کوشش کردند از افراط و تفریط دوری بکنند و آن اعتدال و همه جانبه نگری را که جزو آموزه های اسلام است مشرب خودشان قرار بدهند.

این محقق و پژوهشگر مسائل فرهنگی درباره جریانات ضد عقل گرا در جهان اسلام هم یادآور شد: جریانات ضد عقل مختلفند. یک نوع مخالفت با عقل گرایی را در بین گروههای تصوف و صوفیان می بینیم که اینها شدیداً عقل را تخطئه و رد می کنند. من اخیراً مقاله ای در این خصوص نوشته ام که چگونه حتی برخی از عارفان بزرگ ما نسبت به عقل بی اعتنا بودند و اهمیت عقل را نادیده گرفتند.

این استاد دانشگاه عنوان کرد: اهل حدیث، اخباریون، ظاهرگرایان که نمونه بارزش همین سلفیون و وهابیون هستند شدیداً ضد عقل هستند. اخیراً در بین خودمان گروه هایی که موسوم به مکتب تفکیک هستند هم تأکید دارند که راه معرفت را باید منحصرأ از منابع دینی جستجو و پیگیری کرد و به عقل اعتمادی نیست.

در جمع بندی نهائی بطور کلی باید گفت در تاریخ اسلام سه نوع رویکرد نسبت به عقل وجود داشته است: عقلگرائی افراطی، عقل گریزی افراطی و عقل گرایی اعتدالی. رویکرد سوم که به عقل به عنوان منبع یا راه اساسی معرفت می نگرد، اما در کنارش از سایر منابع و راه های معرفت غافل نمی شود، همان مشربی است که از تعالیم کتاب و سنت استفاده می شود و مشرب اکثر حکمای شیعی نیز همین است.